

نکته‌ها (۱۴)

○ رضا مختاری

نکته ۵۶. مرحوم آية الله سيد محسن حكيم (م ۱۳۹۰ ق) در سال ۱۳۸۶ ق به مرحوم شيخ فرج عمران قطيفي (۱۳۲۱ - ۱۳۹۸) اجازه ای داده و ضمن آن تصريح کرده که حکم ایشان به ثبوت هلال، نافذ است و مؤمنین باید به حکم او عمل کنند.

همان اجازه را مرحوم آية الله سيد ابوالقاسم خويي (م ۱۴۱۳ ق) در سال ۱۳۹۰ ق تأييد و تنفيذ کرده و در ضمن آن توضیح داده که به نظر ما حلول ماه با حکم حاکم ثابت نمی شود، ولی مؤمنین می توانند در این مساله به فتوای مرحوم حكيم باقی بمانند.

عين این دو اجازه را مرحوم شيخ فرج قطيفي در کتابش «الازهار الارجية في الآثار الفرجية»، جلد سیزده، کلیشه و چاپ کرده است که نقل متن کامل آن به دلیل برخی نکات آموزنده خالی از لطف نیست:

بسم الله الرحمن الرحيم

لا يخفى على عموم أهالي القطيف (حفظهم الله تعالى) أن جناب العلامة العلم، ثقة الإسلام و مروج الأحكام الشيخ فرج العمران (دامت برکاته) هو ثقتنا و معتمدنا، و مراجعته في الأحكام الدينية مراجعة لنا، و الواصل إليه من الحقوق الشرعية و اصل

إلینا . و قد أوصیناه (دام تأییدہ) بما هی عادته من أخذ القبوضات إلى أهلها، لیكون لديهم أوثق و عن التهمة أبعد، كما هو كذلك .

و قد أدت له أیدہ اللہ ان یحکم بالاهلّة عند حصول الحجّة الشرعیة علی تحقّق الرؤیة علی نحو یحصل العلم القطعی بالرؤیة، ولا سیّما حکمه بهلال شوال، فإذا حکم به ینفذ حکمه و یجب علی المؤمنین الإفطار، فإذا حصل الشکّ فی الهلال بعد حکمه لایعولّ علی الشکّ ولا یلتفت إلیه . سدّد اللّهُ الجمیع و وقّفهم لما یحبّ و یرضی إنّه سمیع الدعاء .

۳ ربیع الآخر / ۱۳۸۶ ، محسن الطباطبائی الحکیم .

بسمه تعالی

قد اجزنا لجناب الشیخ الثقة (أیدہ اللّهُ تعالی) علی النحو الذی اجازہ المرحوم آیة اللّهُ العظمی السید الحکیم (طاب ثراه) غیر انّ فی ثبوت الهلال یحکم الحاکم أو من هو ماذون من قبله عندنا إشکالاً ذکرناه فی الرسالة العملیة، و لكن یجوز للمؤمنین البقاء علی تقلید المرحوم - قدّس سرّه - فی هذه المسألة . و اللّهُ العالم .

فی ۵ جمادی الأولى سنة ۱۳۹۰ أبو القاسم الموسوی الخوئی .^۱

نکته ۵۷ . شیخ طوسی در کتاب «اختیار معرفة الرجال» (ص ۵۲۱، شماره ۱۰۰۰) در سرگذشت محمد بن نصیر نمیری (لعنه اللّهُ) - سرکرده نصیریّه که لعن او را از حضرت امام هادی (ع) نقل کرده - نوشته است :

و كان یقول بالتناسخ ... و یحلّل نکاح الرجال بعضهم بعضاً فی أديارهم، و یقول: إنّه من الفاعل و المفعول به أحد [کذا، ظ: إحدی] الشهوات و الطیبات، و إنّ اللّهُ لم یحرّم شیئاً من ذلك و كان محمد بن موسی بن الحسن بن فرات یقوی أسبابه و یعضده . و ذکر أنّه رای بعض الناس محمد بن نصیر عیاناً و غلام له علی ظهره، و أنّه عابه علی ذلك فقال: «إنّ هذا من اللذّات، و هو من التواضع لله و ترک التجبیر!!»

۱ . از دوست فاضل جناب آقای ابو الفضل حافظیان که مرا بدین نکته راهنمایی کردند سپاسگزارم .

منبع کتاب «اختیار معرفة الرجال»، سخن سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱) در کتاب «المقالات و الفرق» (ص ۱۰۰-۱۰۱) است، که موضوع را با جزئیات بیشتری نقل کرده و گوید:

و كان يقول بالتناسخ ... و يحلل نكاح الرجال بعضهم بعضاً في ادبارهم، و يزعم أنّ ذلك من التواضع و الإخبات و التذلل في المفعول به و أنّه من الفاعل و المفعول به إحدى الشهوات و الطيبات، و أنّ الله لم يحرم شيئاً من ذلك. و كان محمد بن محمد بن الحسن بن فرات يقوّي أسبابه و يعضده. أخبرني بذلك عن محمد بن نصير أبو زكريا يحيى بن عبد الرحمن (بن خاقان أنّه) رآه عياناً و غلام له على ظهره، قال: فلقينته فعاتبته (بذلك)، فقال: «إنّ هذا من اللذات و هو من التواضع لله و ترك التجبّر ...» ۲.

امروزه از این گونه استحسانات و ملعبه قرار دادن احکام شرع، فراوان رخ می دهد. شنیدم کسی گفته است: «مگر ممکن است شارع غنا را با این لذت بخشی حرام کند! مگر می شود چیز گوشنواز و دلکشی مثل غنا حرام باشد! اگر بنا باشد با این دید به احکام الهی نگاه شود، در نهایت به همان سخن و فعل محمد بن نصیر نمیری منتهی خواهد شد! یکی از استادان با سابقه و فاضل دانشگاه تهران، پس از سالها تدریس و تألیف، در مقدمه کتاب «دیات» که به عنوان متن درسی دانشگاه نوشته و نخستین بار در سال ۱۳۸۰ ش به همت انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده، نوشته است:

از کجا معلوم است: مقصود از آیه شریفه «فاقطعوا أیدیهم» بریدن دست است تا اختلاف کنیم در این که از بن انگشتان، یا از میخ، یا بازو و شانه؟ یا مقصود کوتاه کردن دست دزد است از دزدی؟ چنان که غالباً این تعبیر در همین معنی به کار می رود، و در این صورت تابع اوضاع و شرایط و خصوصیات زمان و مکان است.

۲. کتاب المقالات و الفرق (تصحیح دکتر محمد جواد مشکور، تهران، عطائی، (۱۳۴۱ ش / ۱۹۶۳ م) ص ۱۰۰-۱۰۱، فقرة ۱۹۵؛ نیز ر. ک: الغيبة، شیخ طوسی، ص ۲۶۸-۲۶۹. شیخ رحمه الله در غیبت تصریح کرده که این مطلب را از سعد بن عبدالله نقل می کند.

اینکه در آیه شریفه «والسارق والسارقة فاقطعوا أيديهما جزاء بما كسبا نكالا من الله والله عزيز حكيم»^۳ مراد از قطع، بریدن دست دزد است از ضروریات فقه شیعه و سنی و از اوضح واضحات است و یکی از دلائل آن هم ذیل آیه است که فرمود: «جزاء بما كسبا نكالا من الله» و در آخر آیه هم از خداوند متعال و واضح این حکم با وصف «حكيم» یاد شده است تا مبادا برخی مانند استاد مذکور، بر این حکم حکیمانه اعتراض کنند و رضایت عده ای غرب زده شهوت پرست و آلوده و شیفته شیطان را بر رضای خدای رحمان ترجیح دهند و به این گونه توجیهات سخیف و مضحک و سست «واوهن من بيت العنكبوت» روی بیاورند!

اینکه گفته اند: «غالباً این تعبیر در همین معنی یعنی کوتاه کردن دست دزد از دزدی به کار می رود» خطای فاحش، و احتمالاً به سبب اشتباه بین «قطع ید» با «قطع لسان» است. توضیح این که هیچ گاه «قطع ید» در عربی به معنای مذکور استعمال نشده و این معنای مجازی فقط در مورد «قطع لسان» نقل شده و ایشان، این دو را با یکدیگر اشتباه کرده اند. ... «اقطعوا عني لسانه» أي اعطوه و ارضوه حتى يسكت، فكنى باللسان عن الكلام. و منه الحديث: «أنا رجل، فقال: إني شاعر، فقال: يا بلال اقطع لسانه، فاعطاه أربعين درهماً»^۴.

بر فرض محال که ایشان بتواند آیه قطع دست دزد را توجیه کند با آیه جزای محارب که اتفاقاً چند آیه قبل از آیه مذکور است چه می کند؟

إنما جزاؤ الذين يُحاربون الله ورسوله و يسعون في الأرض فساداً أن يُقتلوا أو يصلبوا أو تقطع أيديهم و أرجلهم من خلاف أو ينفوا من الأرض ذلك لهم خزي في الدنيا و لهم في الآخرة عذاب عظيم.^۵

استاد مذکور در ادامه نوشته اند:

۳. ماده، آیه ۳۸.

۴. النهاية في غريب الحديث و الأثر، ج ۴، ص ۸۳؛ لسان العرب، ج ۸، ص ۲۷۹، «قطع».

۵. ماده، آیه ۳۳.

از جمله گرفتاریهای نابسامان، و دودمان دین و مذهب برافکن ما روایات ضعاف با درصد خیلی بالای ماست که متأسفانه مبنای دین ما، مذهب ما، فقه ما، اعمال ما، اخلاق ما، ادعیه ما، اذکار ما، منبرهای ما، محرابهای ما، مرثیاتی ما و بالاخره کلیه امور ما قرار گرفته و حتی حکومت ما هم تنها به رواج و اشاعه آنها دامن می‌زند.

بر خلاف گفته‌های ایشان که قطعاً بخشی از آن خلاف واقع است، گرفتاری مذهب برافکن ما، این است که بعضی حتی قرآن کریم را ملعبه قرار داده و آیه‌ای واضح و روشن را آنگونه معنی می‌کنند و به عنوان متن درسی در اختیار دانشجویان بی‌گناه و کم‌اطلاع از مبانی دینی قرار می‌دهند و گرنه تکلیف ما با روایات ضعیف روشن است.

وی در ادامه نوشته است:

[در جامعه ما] از خود قرآن و تعلیمات آن و تفسیر صحیح آن بحثی نیست؛ از آهنگ و لحن عربی آن بحث است، به طوری که بسیاری از مردان و زنان و کودکان تصور می‌کنند هدف اصلی از قرآن همان آهنگ قرآن است؛ فارسی خود را عنقریب به کلی از یاد می‌برند، چنان که در زمان پهلوی نسبت به آهنگهای غربی همین حالت وجود داشت، مظلوم زبان فارسی!!

بی پایه و اساس بودن این سخنان بسیار روشن است و نیازی به پاسخ ندارد. مقایسه‌ای که میان قرآن و آهنگهای غربی زمان پهلوی کرده‌اند و گفته‌اند که هر دو باعث می‌شود مردم «فارسی خود را به کلی از یاد ببرند»، دردناک و اسفبار است. آیا تشبیه قرآن به آهنگهای غربی زمان طاغوت در شان کتاب درسی دانشگاه و استاد با سابقه دانشگاه است؟! کسانی که مانند ایشان، از باب دلسوزی برای دزدان، آیه را اینگونه توجیه می‌کنند گویی آن روی سکه تعالیم عالی اسلام را که در نکته بعدی اشاره می‌شود ندیده‌اند.

نکته ۵۸. دعا برای هدایت گمراهان مقدم بر دعا برای نیکان. عالم صاحب کرامات، رضی‌الدین سید علی بن طاووس در اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان می‌نویسد:

فصل : ولا يمتنع الانسان في هذه الليلة من دعوات يظهر الغيب لاهل الحق ، وقد قدّمنا في عمل اليوم واللية فضائل الدعاء للإخوان، ورأينا في القرآن عن إبراهيم عليه السلام : «واغفر لابي إنه كان من الضالّين»^٦ وروينا دعاء النبي - عليه السلام - لاعدائه «اللهم اغفر لقومي إنهم لا يعلمون» .

اقول : وكنت في ليلة جلييلة من شهر رمضان بعد تصنيف هذا الكتاب بزمان ، وانا ادعو في السحر لمن يجب أو يحسن تقديم الدعاء له ، ولي ولمن يليق بالتوفيق ان ادعوله ، فورد على خاطرني انّ الجاحدين لله جلّ جلاله ولنعمه والمستحقّين بحرمة ، والمبدكين لحكمه في عباده وخليقته ، ينبغي ان يبدأ بالدعاء لهم بالهداية من ضلالتهم ؛ فإنّ جنايتهم على الربوبية ، والحكمة الإلهية والجلالة النبوية أشدّ من جناية العارفين بالله وبالرسول صلوات الله عليه وآله . فيقتضي تعظيم الله وتعظيم جلاله وتعظيم رسوله صلى الله عليه وآله وحقوق هدايته بمقاله وفعاله ، ان يقدم الدعاء بهداية من هو اعظم ضرراً واشدّ خطراً ، حيث لم يقدر^٧ ان يزال ذلك بالجهاد ، ومنعهم من الإلحاد والفساد .

اقول : فدعوت لكلّ ضالّ عن الله بالهداية إليه ، ولكلّ ضالّ عن الرسول بالرجوع إليه ، ولكلّ ضالّ عن الحقّ بالاعتراف به والاعتماد عليه .

ثمّ دعوت لاهل التوفيق والتحقيق بالثبوت على توفيقهم ، والزيادة في تحقيقهم ، ودعوت لنفسي ومن يعنيني أمره بحسب مارجوته من الترتيب الذي يكون اقرب إلى من أتضرّع إليه ، وإلى مراد رسوله صلى الله عليه وآله ، وقد قدّمت مهمّات الحاجات بحسب مارجوت ان يكون اقرب إلى الإجابات .

فصل : افلاترى ما تضمّنه مقدّس القرآن من شفاعة إبراهيم - عليه السلام - في اهل الكفران ، فقال الله جلّ جلاله : «يجادلنا في قوم لوط إن إبراهيم لحليم أوّاه مُنبئ»^٨ . فمدحه جلّ جلاله على حلمه وشفاعته ومجادلته في قوم لوط ، الذين

٦ . شعراء ، آية ٨٦ .

٧ . تملذ (خ . ل) .

٨ . هود ، آيات ٧٤ و ٧٥ .

قد بلغ كفرهم إلى تعجيل نقمته.

فصل: امارایت ما تضمّنته اخبار صاحب الرسالة، و هو قدوة اهل الجلالة، كيف كان كلما آذاه قومه الكفار، وبالغوا فيما يفعلون، قال صلوات الله عليه وآله: «اللهم اغفر لقومي فإنهم لا يعلمون».

فصل: اما رأيت الحديث عن عيسى عليه السلام: «كن كالشمس تطلع على البر والفاجر»، و قول نبينا صلوات الله عليه وآله: «اصنع الخير إلى أهله و إلى غير أهله، فإن لم يكن أهله فكن أنت أهله»، و قد تضمّن ترجيح مقام المحسنين إلى المسيئين قوله جلّ جلاله: «لا ينهاكم الله عن الذين لم يقاتلوكم في الدين ولم يخرجوكم من دياركم أن تبرّوهم و تقسطوا إليهم إن الله يحبّ المقسطين»^۹ و يكفي أن محمداً صلى الله عليه وآله بعث رحمة للعالمين.^{۱۰}

نکته ۵۹. کتاب «مناسک» شیخ انصاری (م ۱۲۸۱) همراه با حواشی میرزای شیرازی بزرگ (رحمهما الله) (م ۱۳۱۲) یک بار در سال ۱۲۹۸ ق و بار دیگر در سال ۱۳۱۱ ق در دوره اوج عظمت میرزای شیرازی (قدس سرّه) چاپ شده است. در صفحه اول این دو چاپ آمده است:

مخفی نماناد که چون مناسک مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ مرتضی بسیار کمیاب بوده و حجّاج بیت الله الحرام بسیار، اوقات تلخ بودند لهذا بر خود لازم دانسته که مناسک مرحوم آقا شیخ مرتضی - رحمه الله - را استکتاب نموده و حواشی حجة الاسلام آقا میرزا حسن (سلمه الله تعالی) را به او ملحق ساخته و کمال سعی و اهتمام در تصحیح این نسخه شد ...^{۱۱}.

۹. محتنه، آیه ۸.

۱۰. اقبال، ج ۱، ص ۳۸۴-۳۸۵.

۱۱. ر. ک: مناسک حج شیخ انصاری، چاپ کنگره شیخ (ضمن مجموعه آثار شیخ، شماره ۱۳، ص ۷،

۱۱ و ۱۳).

همچنین شیخ جعفر شوشتري (رحمه الله) در آغاز نسخه ای خطی از مناسک شیخ - که به شماره ۸۸۶۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگه داری می شود - نوشته اند:

این مناسک که از مرحوم حجة الاسلام الشیخ المرتضی للانام (طاب ثراه) می باشد، مسائل آن را غالباً طبق احتیاط نوشته اند، و لهذا در اوّل آن فرموده اند که «عمل به آن اختصاص به آیام حیات من ندارد» با وجود اینکه تقلید میت را جایز نمی دانستند. و فتاوی حقیر بر طبق فتاوی مسطوره در این مناسک می باشد، مگر در یک مساله که ایشان در مشعر الحرام ذکر خدا را مستحب می دانند، و احقر تقویت و جوب آن می کنم و قصد قربت کفایت می کند...
(حرره اقلّ خدام الشرع جعفر التستري) ۱۲.

همچنین میرزای بزرگ شیرازی، تقریظی بر چاپ اوّل منیة المرید (هند؛ بمبئی، چاپخانه حسنی به اهتمام شیخ علی محلاتی رحمه الله) در سال ۱۳۰۱ ق - یعنی در اوج عظمت و اشتهار - نوشته اند که در آغاز آن (ص ۲) بدین صورت چاپ شده است:

سواد تقریظی است که علامه العلماء و فخر الفقهاء، سراج الشیعه، و منهاج الشریعة حجة الاسلام جناب الحاج المیرزا محمد حسن (سلمه الله تعالی) بر این کتاب نوشته اند:

«چه قدر شایسته است که اهل علم مواظبت نمایند به مطالعه این کتاب شریف و متادّب شوند به آداب مزبوره در آن.

(حرره الاحقر محمد حسن الحسینی) ۱۱.

با عنایت به عظمت علمی فوق العاده شیخ انصاری و میرزای شیرازی ۱۳ و اینکه در اوج شکوه فقهی و مرجعیت آنان، عنوان «حجة الاسلام» بر آنها اطلاق شده معلوم می شود که ما خیلی از آنها فاصله گرفته ایم و این بزرگواران و اطرافیانشان هیچ کدام در قید و بند

۱۲. همان، ص ۶-۷.

۱۳. برای آگاهی از عظمت علمی و وارستگی فوق العاده این دو بزرگوار کم نظیر ر. ک: مصاحبه با فقیه مدقّق آیه الله شبیری زنجانی، که در کتاب جرعه ای از دریا منتشر خواهد شد.

عناوین و القاب نبوده‌اند و برای خود و دیگران رفتاری درست نمی‌کرده و بهانه به دست معاندان و مغرضان و هوچیگران و سامری صفتان نمی‌داده‌اند.

به هر حال، مسأله «القاب و عناوین علما و رجال دینی» و تطورات و مناسبت‌ها و معانی آن، از آغاز غیبت کبری تا کنون، بحثی جالب و موضوع یک یا چند پایان‌نامه دکتری و سطح چهار حوزه است.

طدر خطبه‌های نماز جمعه، برای استجاب دعاها و شقای بیماران، آیه شریفه «اٰمَن یٰجِیْب» را می‌خوانند. بنده تاکنون به حدیث یا دلیلی بر نخورده‌ام که دلالت کند برای برآمدن حاجات این آیه کریمه تلاوت شود و نمی‌دانم منشأ آن چیست؟ شاید مضمون آن یعنی «اجابت مضطرّ» و «کشف سوء» باعث شده در این اوقات تلاوت شود. به هر حال اگر دلیلی بر خواندن آن به این نحو در دست نباشد، ظاهراً نباید در مقام دعا و خطاب به خداوند سبحان بدینگونه سخن گفت، بلکه همان طور که در برخی ادعیه وارد شده، باید به صورت خطاب اظهار شود:

«یا من یجیب المضطرّ إذا دعاه و یکشف السوء»؛ زیرا:

اولاً: در برخی از ادعیه به همین شکل وارد شده از جمله:

الف: در دعای امام سجاد - علیه السلام - در روزه عرفه که سید در اقبال و علامه مجلسی به نقل از آن در بحار نقل کرده‌اند:

... یا ربّ یا ربّ یا ربّ ... یا من یجیب المضطرّ و یکشف الضرّ و یجیب الداعی

و یعطی السائل، أسألک یا ربّ ... ۱۴.

ب) دعای منقول از امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلّین):

اللهم انت رجائي و انت ثقتي ... یا الله یا من یجیب المضطرّ إذا دعاه و یکشف

السوء، ارحمني و اکشف ما بی ... ۱۵.

ج) دعای عبرات که سید در مهج الدعوات و محدث نوری به نقل از آن در جنة الماوی

۱۴. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۴۶، باب اعمال مخصر من یوم عرفه و لیلتها، ح ۴.

۱۵. همان، ج ۹۵، ص ۱۰۲-۱۰۳، باب الدعاء للسعال و السل، ح ۱.

نقل کرده اند:

... یا من لا إله سواه، و یا من یجیب المضطرّ إذا دعاه...^{۱۶}

علاوه بر اینها، تعبیراتی مانند «سبحان الذي یجیب المضطرّ و یكشف السوء و الضّر»^{۱۷} نیز در ادعیه شریفه دیده می شود. همچنین «یا کاشف الضّرّ، یا مجیب دعوة المضطرّین»، «یا صریخ المکروبین و یا مجیب المضطرّین»، «یا غیاث المستغیثین، یا مجیب دعوة المضطرّین»، «إلهی أنت مجیب دعوة المضطرّ»، «أنت الله مجیب دعوة المضطرّین» و مانند اینها، فراوان در ادعیه به کار رفته است.^{۱۸}

ثانیاً: مفاد آیه و آیات قبل و بعد، اقتضا می کند که مناسب نیست در مقام دعا و خطاب به خداوند سبحان چنین گفته شود. آیه شریفه و آیات قبل و بعد آن چنین است:

... «الله خیرٌ أما یشرکون آمن خلق السّماوات و الارض ... إله مع الله بل هم قوم یدعون، آمن جعل الارض قراراً... إله مع الله بل اکثرهم لا یعلمون آمن یجیب المضطرّ إذا دعاه و یكشف السوء و یجعلکم خلفاء الارض إله مع الله قلیلاً ما تذکرون آمن یتهدیکم فی ظلمات البرّ و البحر ... إلهظغ مع الله تعالی الله عمّا یشرکون آمن یتبدوا الخلق ثمّ یتعیده ... إله مع الله قل هاتوا برهانکم إن کتم صادقین»^{۱۹}.

چنان که می دانیم، استفهام در این آیات کریمه، استفهام تقریری، و «ام» منقطعه و به معنای اضراب است. علامه طباطبایی می گوید:

... «ام» فی الآية منقطعة تفید معنی الإضراب و «من» مبتداً خبره مخدوف، و کذا الشقّ الآخر من التردید، و الاستفهام للتقریر و حملهم علی الإقرار بالحقّ. و التقدير علی ما یدلّ علیه السیاق «بل آمن خلق السّماوات و الارض ... خیرام ما

۱۶. همان، ج ۵۳، ص ۲۲۵، الحکایة الرابعة (جنة المأوی).

۱۷. همان، ج ۹۰، ص ۱۸۳، باب أعمال الاسبوع و ادعیته و صلواتها، ح ۲۳.

۱۸. ر. ک: المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۷۴-۲۷۵، «جوب».

۱۹. نعل، آیات ۵۹-۶۴.

بشركون^{۲۰} و الامر على هذا القياس في الآيات الاربع التالية ... ۲۰

بنابراین ترجمه آیات چنین است:

آیا خداوند بهتر است یا آنچه (برای او) شریک می آورند؟

(آیا بتها بهترند) یا آن کسی که آسمانها و زمین را آفرید ... آیا با خداوند، خدایی

(دیگر) هست؟ (نه) بلکه اینان قومی کجروند.

آیا آن کس که زمین را آسایشگاهی کرد ...

آیا آن کسی که به درمانده، چون وی را بخواند پاسخ می دهد و بلا را (از او)

می گرداند؟ و شما را جاننشینان زمین می گرداند؛ آیا با خداوند، خدایی (دیگر) هست؟

اندرک پند می پذیرید.

یا آن کسی که شما را در تاریکیهای خشکی و دریا راهنمایی می کند ...

یا آن کسی که آفرینش را می آغازد، سپس آن را باز می گرداند ...

بنابراین، ترجمه آیه «أمن یجیب» با ابراز مقدر آن چنین می شود:

(آیا بتها بهترند) یا آن کسی که به درمانده، چون وی را بخواند پاسخ می دهد و

بلا را (از او) می گرداند؟ و شما را جاننشینان زمین می گرداند؟ آیا با خداوند

خدایی (دیگر) هست؟ اندک پند می پذیرید.^{۲۱}

روشن است که برای استجاب دعا و به عنوان مقدمه ای بر آن، خداوند متعال را این

گونه مخاطب قرار دادن مناسب نیست.

نکته ۶۱. ادعیه و زیارات رسیده از معصومین باید به همان گونه که وارد شده - بدون دخل و تصرف

و کم و زیاد کردن - خوانده شود. بنده در جای دیگر به تفصیل به این موضوع پرداخته ام.^{۲۲}

منظور از ذکر این نکته در اینجا، آن است که دعای معروف حضرت صاحب

۲۰. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۳۸۰؛ نیز ر. ک: جوامع الجامع، ج ۳، ص ۱۹۵-۱۹۷، ذیل آیات کریمه.

۲۱. ترجمه قرآن کریم از آقای دکتر سید علی موسوی گرمارودی.

۲۲. ر. ک: حج ۲۵: گزارشی از حج گزاری ایرانیان در سال ۱۴۲۵ ق، ص ۶۶-۷۳.

الامر (علیه السلام) معمولاً چنین خوانده می شود: «اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن» در حالی که در روایت سید ابن طاووس و به نقل از وی در بحار چنین آمده است:

... یاسناده عن الصالحین علیهم السلام قال: «وکرّر فی لیلة ثلاث و عشرين من

شهر رمضان قائماً و قاعداً و علی کلّ حال . . . تقول بعد تمجید الله تعالی و

الصلاة علی النبی و آله علیهم السلام: اللهم کن لولیک ...» ۲۳.

محدث قمی هم به این نکته توجه داشته و در مفاتیح الجنان در اعمال شب بیست و

سوم ماه رمضان نوشته است:

می گویی بعد از ستایش کردن حق تعالی به بزرگواری و صلوات بر پیغمبر صلی

الله علیه و آله: اللهم کن لولیک ...

بنابراین، پیش از این دعای شریف حداقل باید گفت: «الحمد لله كما هو اهله، و

الصلاة علی رسول الله و آله» ۲۴.

استدراک و تکمیل:

الف) در نکته ۲۵ (فقه اهل بیت علیهم السلام، ش ۳۷، ص ۱۴۹، پانوش ۳)

گفتیم: «شاید خود شیخ متن دو آیه را ذکر نکرده و بعدها برای تسهیل امر، در برخی چاپها

دو آیه را افزوده اند...» ۲۵. شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اکنون می افزایم که در چاپ مصحح مناسک شیخ انصاری که براساس برخی نسخ

خطی و چاپی آن، تصحیح و منتشر شده ۲۵، متن دو آیه مذکور، در مناسک نیست و همان

حدس قبلی در نکته ۲۵ تأیید می شود. البته در این چاپ هم، همچنان خطای «دو آیه» به

۲۳. اقبال، ج ۱، ص ۱۹۰، فصل ۲۶؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۴۹، باب الدعاء عند دخول شهر

رمضان و مسأله اعماله.

۲۴. این نکته از افادات حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای سید حسین شیخ الاسلامی (عافاه الله

سبحانه) است.

۲۵. ر. ک: مناسک شیخ، چاپ کنگره شیخ انصاری، ص ۸۹.

«ده آیه» دیده می شود و تصحیح نشده است.

ب) در نکته ۳۶ (فقه اهل بیت علیهم السلام، ش ۳۹ و ۴۰، ص ۳۲۹-۳۳۰) گذشت که دانستن تاریخ تألیف کتابهای فقهی فقها به جهاتی اهمیت دارد و از این رو گاهی فقیهان به آن اشاره می کرده اند و نمونه هایی در نکته ۳۶ ذکر شد. نمونه دیگری از این دست سخن صاحب جواهر است در کتاب جواهر الکلام:

حَتَّى الشَّهِيدِ فِي الْفَيْتَةِ الَّتِي هِيَ أَوْلَىٰ مَا صَنَّفَ، وَلَمَعَتِ الَّتِي هِيَ آخِرُهَا. ۲۶

«قد رجع عنه في اللمعة التي هي آخر ما صنف». ۲۷

البته این که فرموده اند لمعه آخرین تألیف شهید است، قطعاً خطاست^{۲۸} و دلیلی هم بر این که الفیه اولین تألیف اوست پیدا نشد، جز این سخن شهید ثانی در باره الفیه: «هي من أول ما صنّفه»^{۲۹} که معنایش اولین تألیف نیست بلکه به معنای یکی از تألیفات اولیه شهید است.

ج) در نکته شماره ۴۱ (همین مجله، شماره ۴۱، ص ۱۸۰-۱۸۴) به تفصیل از استحباب ورود به مسجد الحرام از باب بنی شیبیه بحث و اشکال عبارت مناسک های کنونی بیان شد. در یکی از مناسک^{۳۰} مراجع معاصر (دامت برکاتهم) علاوه بر آن ایراد عام، مسامحه دیگری رخ داده، و آن اینکه نوشته اند:

از در بنی شیبیه وارد مسجد الحرام شود، و این در اگر چه به علت توسعه مسجد الحرام اکنون جایش مشخص نیست، ولی چون بعضی گفته اند به جای باب السلام فعلی بوده است، لذا اولی آن است که از باب السلام وارد شود.

توضیح اینکه - چنان که در نکته ۴۱ گذشت - هیچ کس نگفته است که «باب بنی شیبیه

۲۶. جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۵۳۶، چاپ جامعه مدرسین.

۲۷. همان، ج ۲۹، ص ۳۱۷، چاپ قدیم.

۲۸. ر. ک: الشَّهِيدُ الْأَوَّلُ حَيَاتُهُ وَأَثَرُهُ، از این ناچیز، ص ۱۷۸-۱۷۹، ۱۹۲-۱۹۸.

۲۹. الروضة البهية، ج ۱، ص ۲۷۸، چاپ کلاتر.

۳۰. چاپ سوم، ۱۴۲۵ ق / ۱۳۸۳ ش.

به جای باب السلام فعلی بوده است» و اگر هم کسی گفته باشد مسلماً اشتباه است .
 (د) در نکته مذکور برخی تغییرات در موضوعات احکام مکه و حرم شریف به تفصیل
 بحث و گفته شد که این تغییرات در بسیاری از مناسک مد نظر قرار نگرفته است . نمونه
 دیگر که در نکته ۴۱ ذکر نشد، این است که در برخی مناسک امروزی در مستحبات ورود به
 مکه آمده است :

چند چیز برای ورود به مکه و مسجد الحرام مستحب است :

۱. آن که پیش از ورود به مکه از محلی به نام «فخ» غسل کند .

در حالی که فخ سالهاست جزء مکه شده و در خیابان شهداء مکه است و پیش از ورود
 به مکه نمی توان از آنجا غسل کرد .

ه) در نکته ۴۱ (شماره ۴۱، ص ۱۷۳-۱۷۷) به تفصیل از سمت قبله آمریکای شمالی
 بحث و گفته شد، جهت قبله در آمریکای شمالی، شمال شرقی است نه جنوب شرقی و
 نظری که از مرحوم آیه الله خویی (م ۱۴۱۳) در این باره نقل شده خطاست . اخیراً به مقاله ای
 از متخصص این فن، دکتر یوسف مروّه برخوردیم که علاوه بر نکته های جالب در این زمینه،
 اعلامیه ای را از مؤسسه آیه الله خویی در لندن مبنی بر عدم صحّت نظر مذکور - که سابقاً
 گفتیم خطاست - نقل کرده است . در اینجا قسمتی از مقاله مذکور را نقل می کنیم :

... جدولهای رصد فلکی (زیجها) و حسابهای تصویب شده ارضی و نقشه های

اسلامی (که خوارزمی، یعقوبی، سرخسی، جیهانی، همدانی، ابن فضلان،

مسعودی، مقدسی، اصطخری، ابن حوقل، بیرونی، ادریسی، مازنی،

هروی، ابن جبیر، یاقوت حموی، قزوینی، ابن بطوطه ابن ماجه و ... آنها را

وضع کرده اند) در آسان سازی کارهای حسابی و پیاده کرده قوانین یاد شده سهیم

بوده است . در اکتشافات علوم نو، شواهدی در دست است که حدود توجه

مسلمانان قدیم را در تعیین دقیق قبله به هنگام ساختن مساجد بیان می کند .

برای مثال دیرینه شناس انگلیسی «مارک هورتن» به تازگی در جزیره کوچکی

واقع در جنوب غربی هند به نام «پاتیه» pate در اثنای حفاریهای خود به

باقیمانده های مسجد فرسوده ای برخوردار که تاریخ بنای آن به سال ۷۸۰ م تخمین زده می شود و پیدا بود که محراب مسجد با دقت شگفت انگیزی رو به سوی قبله دارد.

روشن است آن دسته از مسلمانان نخستینی که به عنوان دریانورد و بازرگان از سال ۱۸۵۴ م به شهرهای امریکای شمالی روی آوردند و بیشترشان دریانوردان یمنی و بازرگانان مغربی بودند از راه حساب با به کارگیری فرمولها و معادلهای ریاضی بتانی و بیرونی به سمت قبله آگاهی داشته اند. آرشیتکتهایی که بعدها به دنبال افزایش شمار مسلمانان در شهرهای امریکای شمالی و کانادا نقشه های ساختن مساجد را در بیشتر این شهرها طراحی کردند همان شیوه را به کار بستند. در همه مساجدی که در این شهرها بنا شد سمت قبله با زوایایی تند از شمال جغرافیایی به سمت شمال شرقی بوده است که بر حسب موقعیت هر مسجد، دیگرگون بوده است. مثلاً در نیویورک ۵۹ درجه، واشنگتن ۹ و ۵۹ درجه، کالیفرنیا ۵۵ درجه، لس آنجلس ۲۴ درجه، تورنتو ۵۵ درجه، مونترال ۵۸ درجه و اوتاوا ۷ و ۵۷ درجه بوده است. سپس ابزارهای علمی و تکنیکهای نو همچون مساحت یاب فضایی به وسیله هواپیما و ماهواره و سفینه های فضایی با بهره وری از پرتوهای رادار و لیزر و مادون قرمز در صحنه ظاهر شدند تا آنچه را که با حساب به دست می آمد مورد تاکید قرار دهند.

این مقاله را با آوردن فتوایی از آیه الله العظمی خویی (قدس سره) به پایان می بریم:

دفتر پاسخ به استفتائات مؤسسه آیه الله العظمی خویی (قدس سره) در لندن به تاریخ ۲۸ جمادی الآخره ۱۴۱۳ هجری (برابر با دسامبر سال ۱۹۹۲ م) اعلامیه ای صادر کرد که شرح آن چنین است:

«اختلاف دو دیدگاه پیرامون جهت کعبه مکرمه ما بین شرق متمایل به جنوب و شرق متمایل به شمال بر برادران مسلمان ما در امریکای شمالی پوشیده نیست.

این اختلاف نظر، علمای اعلام و مجتهدان و جغرافیدانان و حتی قطب نماها را که جهت قبله را مشخص می سازد تحت تأثیر قرار داده است و ما پیوسته می کوشیم این اختلاف نظرهای فکری - علمی را یکسان سازیم و به پژوهشهایی از کارشناسان نیز دست یافته ایم و خواسته ایم آن را خدمت آیه الله العظمی خوئی ارسال داریم لکن اجل مهلت نداد و حضرتش به رفیق اعلی پیوست و پژوهشهای کارشناسی مذکور به دست ایشان نرسید. از آن جا که برجسته ترین علمای روزگار ما اتفاق نظر یافته اند و آرای آنها در پذیرش جهت شرق متمایل به شمال اینک نزد ما قرار دارد، لذا مؤسسه خیریه آیه الله العظمی خوئی - قدس سره - به پیروی از آرای مراجع محترم - خداوند بر عمرشان بیفزاید - همین نظر را پذیرفته است و بر این اساس قبله در نیویورک و حومه آن ۵۸ درجه از قطب شمال خواهد بود. با در نظر گرفتن این که اگر کسی بر مبنای حجت شرعی معتبر به جهت دیگری نماز بگذارد نماز او صحیح خواهد بود و دیگر نیازی به قضا ندارد، و خدا داناست و هدایتگر به سوی راه مستقیم و سپاس از آن خداوند جهانیان است.

با این فتوا صفحه مهمی از صفحات اختلاف پیرامون تشخیص قبله آمریکای شمالی در هم پیچیده شد و چه بسا بار دیگر صفحه جدیدی از این اختلاف رخ نماید.^{۳۱}

رتال جامع علوم انسانی

۳۱. مجله مشکاة، ش ۴۶ (بهار ۷۴)، ص ۵۷-۶۲، مقاله «تعیین قبله از شیوه های علمی تا دیدگاههای فقها» ترجمه حمید رضا آذیر.
متن عربی مقاله در دو ماهنامه نور اسلام، ش ۴۵ و ۴۶ (ماه رمضان و شوال ۱۴۱۴) چاپ شده است.